

Preventive Strategies of the Infallibles (AS) Against Hadith Fabrication by Political Powers

Hamid Boustani Fard ^{a*}, Heydar Ali Rostami ^b, Ali Hassanbeigi ^c

^a Ph.D. Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Askari International University, Qom, Iran

^b Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Allameh Askari International University, Qom, Iran

^c Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

Preventive strategies,
Hadith fabrication,
Political powers,
Exploitation of forged
hadiths,
Political legitimacy

Received: 25 May 2025;
Accepted: 13 October 2025

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/thr.2025.2059070.1107

ABSTRACT

Hadith fabrication—especially within the context of political rivalries and power relations—has long been one of the most prominent tools used by ruling authorities to legitimize their power and weaken opposition. The present study, titled “*Preventive Strategies of the Infallibles (AS) Against Hadith Fabrication by Political Powers*,” employs a descriptive-analytical method to identify and examine the measures adopted by the Prophet Muhammad (PBUH) and the Ahl al-Bayt (AS) to confront this phenomenon. Unlike previous studies that have primarily focused on analyzing the consequences of hadith fabrication, this research takes a preventive and methodologically grounded approach. It explores strategies such as deterrence through the Prophet’s explicit warnings, evaluating narrations in light of the Qur’an and Sunnah, exposing the link between fabricated hadiths and political power, and reaffirming the authentic Prophetic tradition. The findings show that these strategies not only curbed the spread of fabrication and distortion by political powers, but also established enduring scholarly and cultural criteria for the critique of narrations and the preservation of the Prophetic legacy. The innovation of this study lies in its focus on the systematic and preventive actions of the Infallibles (AS) in confronting organized hadith fabrication—actions that had historical and social significance and offer a practical model for the critique and refinement of narrative sources in contemporary scholarship.

* Corresponding author.

E-mail address: hamidbustani52@gmail.com

©Author





راهبردهای پیشگیرانه معصومان (ع) در برابر وضع حدیث از سوی قدرت‌های سیاسی

حمید بوستانی فرد، الف* حیدر علی رستمی، ب علی حسن بیگی ج

الف دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری، قم، ایران،

hamidbostani402@yahoo.com

ب استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری، قم، ایران، hrostami@yahoo.com

ج استاد گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، a-hasanbagi@araku.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
<p>جعل حدیث، به‌ویژه در بستر رقابت‌ها و مناسبات قدرت سیاسی، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی بوده که حاکمیت‌ها برای مشروعیت‌بخشی به قدرت خود و تضعیف مخالفان به کار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با عنوان «راهبردهای پیشگیرانه معصومان (ع) در مواجهه با جعل حدیث از سوی قدرت‌های سیاسی» با روش توصیفی - تحلیلی، به شناسایی و بررسی اقداماتی می‌پردازد که پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) برای مقابله با این پدیده اتخاذ کرده‌اند. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر تحلیل پیامدهای جعل حدیث تمرکز داشته‌اند، این مطالعه با رویکرد پیشگیرانه و روش‌شناختی، راهبردهایی چون بازدارندگی از طریق هشدارهای صریح پیامبر (ص)، سنجش روایت با قرآن و سنت، افشای پیوند جعل حدیث با قدرت سیاسی و بازنمایی سیره اصیل نبوی را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد این راهبردها ضمن جلوگیری از گسترش جعل و تحریف از سوی قدرت‌های سیاسی، معیارهای علمی و فرهنگی پایداری برای نقد روایت و صیانت از سنت ایجاد کرده‌اند. بدین ترتیب، نوآوری این پژوهش در تمرکز بر اقدامات پیشگیرانه و نظام‌مند معصومان (ع) برای مقابله با جعل سازمان‌یافته حدیث است که هم کارکرد تاریخی و اجتماعی داشته و هم می‌تواند الگویی عملی برای نقد و پالایش منابع روایی در مطالعات معاصر ارائه دهد.</p>	<p>راهبردهای پیشگیرانه، وضع حدیث، قدرت‌های سیاسی، بهره‌برداری از حدیث جعلی، مشروعیت سیاسی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱</p> <p>مقاله علمی پژوهشی</p>

۱. مقدمه

حدیث، به‌عنوان یکی از ارکان معرفتی اسلام، از آغاز در معرض آسیب‌هایی چون جعل و تحریف قرار داشت. در این میان، برخی حاکمیت‌های سیاسی، به‌ویژه در دوران خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس، با بهره‌گیری ابزاری از حدیث، درصدد مشروعیت‌بخشی به قدرت خود و تضعیف جریان‌های مخالف برآمدند. این رویکرد نه‌تنها اصالت منابع حدیثی را تضعیف کرد، بلکه گاه به انحراف افکار عمومی از آموزه‌های اصیل اسلامی انجامید.

جعل حدیث در نتیجه چنین رویکردهایی، یکی از جدی‌ترین آسیب‌های معرفتی تاریخ اسلام شد و پیامدهای گسترده‌ای در عرصه‌های اعتقادی، فقهی و سیاسی برجای گذاشت. معصومان (ع)، با درک تهدیدهای این پدیده، راهبردهای پیشگیرانه‌ای را در برابر جعل و سوءاستفاده سیاسی از حدیث اتخاذ کردند.

در این چارچوب، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که: معصومان (ع) در برابر جعل احادیث از سوی قدرت‌های سیاسی چه راهبردهایی به کار گرفتند و این اقدامات چگونه توانسته‌اند از تحریف معارف اسلامی جلوگیری کنند؟ پاسخ به این پرسش، علاوه بر تبیین عملکرد پیشگیرانه اهل بیت (ع)، الگویی عملی برای مقابله با تحریف و بهره‌برداری ابزاری از معارف اسلامی در جهان معاصر ارائه می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به بررسی پدیده جعل حدیث و نقش قدرت‌های سیاسی در شکل‌گیری آن پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، محمود کریمی و سعید طاووسی مسرور در مقاله «انگیزه‌های سیاسی در جعل روایات مدح و ذم بلاد» نشان داده‌اند که بسیاری از روایات مربوط به فضیلت یا نکوهش سرزمین‌ها در بستر رقابت‌های سیاسی امویان و عباسیان شکل گرفته و عمدتاً در خدمت مشروعیت‌بخشی به فتوحات و تثبیت خلافت بوده است (کریمی و طاووسی مسرور، ۱۳۸۹ ش، ۸۵-۱۲۶). محدثه مهدی‌نژاد نیز با تمرکز بر سیاست حاکمان، عوامل سیاسی همچون بازتولید شاخص‌های جاهلی و منع تدوین حدیث را در تشدید جعل مؤثر دانسته است (مهدی‌نژاد، ۱۴۰۳ ش، ۴۹۱-۵۰۸). ناصر رفیعی انگیزه‌های جعل را در چهار حوزه سیاسی، فرهنگی - دینی، دنیوی و خیرخواهانه طبقه‌بندی کرده و بر نقش برجسته انگیزه‌های سیاسی تأکید کرده است (رفیعی، ۱۳۸۱ ش، ۱۶۹-۲۰۲). سید احمد سجادی نیز مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، دینی، تبلیغی و اقتصادی را برشمرده؛ اما نسبت و اثر هر یک را تحلیل نکرده است (سجادی، ۱۳۸۱ ش، ۳۸-۴۵).

با وجود اهمیت این مطالعات، اغلب پژوهش‌ها بر تحلیل تاریخی و انگیزه‌های جعل متمرکز بوده و به‌طور مستقل، نظام‌مند و روشمند به بررسی راهبردهای پیشگیرانه معصومان (ع) در مقابله با جعل حدیث نپرداخته‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر اقدامات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در پیشگیری از جعل، قصد دارد علاوه بر تبیین زمینه‌های سیاسی این پدیده، الگویی کاربردی برای صیانت از میراث حدیثی ارائه دهد.

۳. مفهوم‌شناسی

برای درک دقیق راهبردهای معصومان (ع) در مواجهه با پدیده جعل حدیث، تبیین مفاهیم کلیدی «قدرت‌های سیاسی» و «راهبرد» ضرورت دارد.

۳.۱. قدرت‌های سیاسی

قدرت سیاسی به‌طور کلی «مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی است که به‌وسیله آن، فرد یا گروهی می‌تواند دیگران را به اطاعت وادارد» (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ۶۵) و یا به تعبیر ماکس وبر، «توانایی واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود، به هر شکل ممکن» است (بشیریه، ۱۳۸۱، ۷۴).

در این پژوهش، «قدرت‌های سیاسی» جریان‌های حاکم و صاحبان اقتدار از دوره خلفای سه‌گانه تا حکومت‌های اموی و عباسی به همراه وابستگان و کارگزاران اجرایی آنان شامل خطیبان، قضات و راویان مزدبگیر را در برمی‌گیرد که باهدف تثبیت مشروعیت سیاسی و گاه تضعیف جایگاه اهل بیت (ع) در فرایند جعل حدیث دخالت داشته‌اند.

۲.۳. راهبرد

در ادبیات علمی معاصر، واژه راهبرد معادل اصطلاح strategy به کار می‌رود و به معنای «نقشه یا طرحی برای دستیابی به هدفی مشخص؛ فرایند برنامه‌ریزی یا اجرای نقشه‌ها به صورت ماهرانه؛ و مهارت در هدایت حرکت‌ها یا استفاده از منابع» (Oxford English Dictionary, 2020, s.v. "strategy") است. براین اساس، راهبرد طرح یا تدبیر کلانی است که باهدفی روشن و رویکردی حساب‌شده اتخاذ می‌شود. این مفهوم صرفاً به اقدامات نظامی محدود نیست، بلکه هر اقدام هدفمندی - مانند هشدار دادن، آموزش، یا تأکید بر اصول بنیادین - می‌تواند ذیل مفهوم راهبرد قرار گیرد، به شرط آنکه با نیت هدایت‌گران و در راستای دستیابی به هدفی مشخص صورت گیرد. از این منظر، هشدارهای صریح معصومان (ع) در برابر جعل یا تحریف حدیث نمونه‌ای از راهبرد پیشگیرانه به شمار می‌آید؛ زیرا هدفمند بوده و در جهت صیانت از سنت تحقق‌یافته است. افزون بر این، چنین راهبردهایی منحصر در مسئله پیشگیری از جعل حدیث توسط قدرت‌های سیاسی نیست، بلکه قابلیت تعمیم به سایر انگیزه‌ها و عوامل جعل را نیز دارد و می‌تواند چارچوبی فراگیر برای پاسداری از میراث نبوی فراهم آورد.

۴. جریان‌شناسی جعل حدیث

باوجود آنکه در تاریخ حدیث انگیزه‌های متعددی همچون گرایش‌های فرهنگی، تعصبات مذهبی، منافع اقتصادی و اختلافات کلامی و فقهی مطرح شده است، بررسی سیر تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از این عوامل یا مستقیماً ناشی از زمینه‌های سیاسی بوده‌اند و یا در بستر سیاست مجال رشد و گسترش یافته‌اند. به عبارت دیگر، عواملی که ظاهراً مذهبی، فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی قلمداد می‌شوند، در واقع غالباً در خدمت تثبیت قدرت و تحکیم حاکمیت عمل کرده‌اند و یا توسط حاکمیت به طور مستقیم یا غیرمستقیم مورد بهره‌برداری سیاسی قرار گرفته‌اند.

برای نمونه، جریان «قصاص» که در ظاهر حرکتی فرهنگی و تبلیغی بود، در عمل زائیده سیاست و ابزاری برای جهت‌دهی به افکار عمومی به نفع حاکمان محسوب می‌شد. همچنین، مذاهب فقهی و کلامی عمدتاً در بستر قدرت سیاسی شکل گرفته و جریان‌ات همسو با حکومت امکان شکوفایی یافته‌اند. برخی عالمان نیز برای تقرب به حاکمان به جعل یا تأیید احادیث دست‌زده‌اند و حتی عوام، غالباً ناخواسته، به مروّجان سیاست‌های رسمی تبدیل شده‌اند. براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که در تحلیل نهایی، بسیاری از انگیزه‌های جعل یا به انگیزه سیاسی ختم می‌شوند یا در خدمت آن قرار می‌گیرند؛ بنابراین، انگیزه سیاسی را می‌توان «علت‌العلل» جعل حدیث دانست.

شواهد تاریخی و قرآنی نیز نشان می‌دهد که پدیده جعل حدیث از همان عصر رسول خدا (ص) شکل گرفت. این جریان که ریشه در فعالیت منافقان و برخی افراد سست‌ایمان داشت، در سال‌های پایانی حیات پیامبر با مخالفت‌های پنهان و آشکار نسبت به رأی و نظر ایشان و نسبت دادن سخنان دروغین به پیامبر، زمینه اولیه شکل‌گیری جعل حدیث را فراهم ساخت و پس از رحلت ایشان، با شدت بیشتری ادامه یافت.

۵. مراحل تاریخی جریان جعل حدیث

با رویکردی تاریخی می‌توان فرایند پیدایش و گسترش جعل حدیث را در سه مرحله اصلی مورد بررسی قرار داد:
یک. مرحله شکل‌گیری اولیه: در این دوره که هم‌زمان با حیات رسول خدا (ص) بود، جعل حدیث هر چند به صورت محدود و غیررسمی، اما با نوعی سازمان‌یافتگی آغاز شد.

دو. مرحله نهادینه‌سازی: بعد از جریان سقیفه و هم‌زمان با به خلافت رسیدن خلیفه اول، با منع نگارش حدیث، زمینه تثبیت و نهادینه شدن جعل حدیث فراهم گردید.

سه. مرحله گسترش: این دوران که هم‌زمان با خلافت معاویه بود، پیوند وثیقی با جریان سقیفه داشت و جعل حدیث در آن به صورت رسمی و فراگیر دنبال شد.

۶. راهبردهای پیشگیرانه معصومان (ع) در برابر جعل حدیث توسط قدرت‌های سیاسی

جعل حدیث از سوی قدرت‌های سیاسی از چالش‌های مهم تاریخ اسلام است که گاه به تحریف آموزه‌های دینی و آسیب به باورهای مسلمانان انجامیده است. از این رو، بررسی راهبردهای پیشگیرانه معصومان (ع) در برابر این پدیده اهمیت فراوان دارد. آنان با شناخت دقیق زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جعل حدیث، مجموعه‌ای از تدابیر هدفمند برای مهار و پیشگیری از آن به کار گرفتند. تحلیل این تدابیر علاوه بر روشن ساختن شیوه‌های اهل بیت (ع) در مواجهه با جعل سیاسی، می‌تواند مبنایی برای ارائه راهکارهای علمی در صیانت از میراث حدیثی باشد. در ادامه، مهم‌ترین این راهبردها در پیوند با سه مرحله تاریخی جریان جعل حدیث، به صورت مستقل و تحلیلی بررسی خواهد شد.

۷. مرحله شکل‌گیری اولیه جعل حدیث و نخستین راهبرد پیشگیرانه معصومان (ع)

«حدیث‌سازی را می‌توان هم‌زمان با پیدایش حدیث دانست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷، ش، ۲/۴۱۴)؛ از این رو، این پدیده ریشه در عصر پیامبر اکرم (ص) دارد. «احتمالاً آگاهی آن حضرت از وقوع چنین رفتارهایی در همان زمان موجب شد تا با تأکیدها و هشدارهای جدی، مسلمانان را از این عمل بر حذر دارند». (ابوریه، ۱۹۹۴، م، ۶۵)

۱.۷. شرح تاریخی و شواهد روایی

شواهد تاریخی و روایی نشان می‌دهد جعل حدیث از همان عصر پیامبر (ص) آغاز شد و پدیده‌ای پراکنده و فردی نبود؛ بلکه جریانی سازمان‌یافته بود که منافقان و عناصر سست‌ایمان بانگیزه‌های سیاسی و اعتقادی پایه‌گذاری کردند. این جریان با سوءاستفاده از شرایط اجتماعی، شالوده جعل هدفمند را پی‌ریزی کرد که پس از رحلت پیامبر (ص)، با پشتوانه قدرت‌های سیاسی، با شدت بیشتری تداوم یافت. نقطه عطف این جریان پس از واقعه غدیر خم بود؛ زمانی که پیامبر ولایت امیرالمؤمنین (ع) را اعلام کردند. مخالفانی که استمرار رسالت در ولایت آن حضرت را بر نمی‌تافتند، به جعل روایت و تدوین اسناد ساختگی روی آوردند. نمونه‌ای از این اقدامات، «صحیفه‌ای» است که بنا بر گزارش اسماء بنت عمیس توسط جمعی از صحابه تدوین شد و در آن ادعا شد که «پیامبر جانشینی تعیین نکرده است تا خلافت در یک خاندان منحصر نشود و به میراثی موروثی تبدیل نگردد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۰۳/۲۸) که آشکارا نمونه‌ای از دروغ بستن به پیامبر محسوب می‌شود.

یکی از شاخص‌ترین دلایل بر وجود پدیده جعل حدیث در عصر پیامبر (ص)، حدیث متواتر «مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» است (دستی، ۱۳۷۹، ش، ۴۳۰). این روایت نشان می‌دهد که پیامبر خطر جعل را بالفعل احساس کرده و آن را به عنوان تهدیدی سازمان‌یافته شناسایی کرده بودند. بررسی گستره نقل و پذیرش این روایت

توسط عالمان شیعه و سنی، از جمله شهید ثانی، طریحی، علامه مجلسی و طبرانی، نشان می‌دهد که حدیث اعتبار و تواتر گسترده‌ای دارد و به‌عنوان مبنایی برای تعریف و تبیین مفهوم «حدیث موضوع» عمل می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ق، ۶۹؛ طریحی، ۱۳۶۲، ۶۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ق، ۲۱۰/۱؛ طبرانی، ۱۴۱۰، ق، ۳۳-۱۷۳؛ نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ش، ۱۷۴). بر اساس مضمون این حدیث، می‌توان استنباط کرد که نخستین راهبرد پیشگیرانه معصومان (ع) در برابر جعل حدیث، بازدارندگی از طریق هشدارهای صریح پیامبر (ص)، بوده است.

۲.۷. نخستین راهبرد پیشگیرانه معصومان (ع): بازدارندگی از جعل حدیث

جریان نفاق در عصر پیامبر اکرم (ص)، هرچند از قدرت سیاسی رسمی برخوردار نبود، اما با دروغ‌پردازی و تلاش برای تضعیف جایگاه اهل بیت (ع)، زمینه را برای جعل هدفمند حدیث توسط قدرت‌های سیاسی پس از رحلت آن حضرت فراهم ساخت. از این‌رو، مقابله با این پدیده نیازمند تدابیر پیشگیرانه و راهبردی از سوی معصومان (ع) بود. بدین منظور، پیامبر اکرم (ص) با هشدارهای آشکار، مردم را از دروغ‌پردازان آگاه ساخت و آنان را از پیامدهای این عمل بر حذر داشت و فرمود: «لَا تَكْذِبُوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ فَلْيَلِجِ النَّارَ» (بخاری، ۱۴۲۲، ق، ۳۳/۱). ایشان در حجة الوداع فرمودند: «قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكُذَّابَةُ وَ سَتَكْثُرُ بَعْدِي فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۴۷/۲). این هشدارها صرفاً اقدامات اخلاقی نبودند، بلکه سازوکاری بازدارنده ایجاد کردند که هم مشروعیت‌بخشی به جعل را سد می‌کرد و هم مسیر نقد علمی حدیث را فراهم می‌ساخت. به عبارتی، ناکامی جریان جعل نتیجه مقاومت فردی یا فشار سیاسی صرف نبود، بلکه شکل‌گیری نظام بازدارنده‌ای هماهنگ با ابعاد اخلاقی، اجتماعی و معرفتی بود که جامعه را در برابر جعل محافظت می‌کرد.

۱.۲.۷. نقش هشدارهای صریح پیامبر اکرم (ص) در بازدارندگی از جعل حدیث و آثار آن

هشدارهای صریح پیامبر اکرم (ص) را نباید صرفاً واکنشی مقطعی به جعل حدیث دانست، بلکه این هشدارها بخشی از راهبردی سنجیده برای ایجاد بازدارندگی پایدار بودند. به گزارش محمدی ری‌شهری (۱۳۹۷، ۴۲۲/۲)، جریان جعل حدیث با وجود برخورداری از حمایت‌های سیاسی و اجتماعی، هیچ‌گاه نتوانست نقل و نشر حدیث را به‌طور کامل در اختیار گیرد؛ زیرا به باور او، عامل اصلی این ناکامی نه ضعف جاعلان یا مقاومت فردی محدثان، بلکه راهبرد سنجیده معصومان (ع) در نهادینه‌سازی بازدارندگی اخلاقی و اجتماعی بود. وی یادآور می‌شود که پیامبر (ص) و امام علی (ع) پیش از تثبیت جریان جعل، با هشدارهای صریح خطر آن را گوشزد کرده بودند. این اقدام نه‌تنها مانع از کنترل کامل جریان جعل بر نقل حدیث شد، بلکه با ایجاد فرهنگ صیانت از سنت نبوی، الگویی جامع و چند سطحی در عرصه‌های دینی و اجتماعی شکل داد.

از منظر تحلیلی، هشدارهای پیامبر اکرم (ص) دارای دو کارکرد اساسی بودند: نخست، ایجاد سازوکاری پیشگیرانه برای کنترل پدیده جعل در سطوح اجتماعی و معرفتی؛ و دوم، تقویت مرجعیت علمی و دینی اهل بیت (ع) در پاسداری از اصالت سنت نبوی. بدین‌سان، این هشدارها به الگویی راهبردی و پایدار در پیشگیری از جعل حدیث و صیانت از میراث حدیثی اسلام تبدیل شد و زمینه‌ساز پیامدهای دینی و علمی قابل‌توجهی گردید که در ادامه بررسی می‌شود.

الف. مهار جریان سازمان‌یافته نفاق

از مهم‌ترین آثار هشدارهای صریح پیامبر اکرم (ص)، مهار جریان سازمان‌یافته نفاق بود. منافقان در صدر اسلام نه صرفاً افرادی متزلزل در ایمان، بلکه جریانی سیاسی - اجتماعی محسوب می‌شدند که باهدف تضعیف جایگاه اهل بیت (ع) و تحریف سنت پیامبر (ص) فعالیت می‌کردند و بعدها در جعل هدفمند حدیث به‌ویژه در خدمت قدرت‌های سیاسی نقش مؤثری داشتند. به تعبیر علامه طباطبایی، برخی از آنان از آغاز دعوت اسلامی با انگیزه دستیابی به قدرت سیاسی، اسلام را تنها در ظاهر پذیرفتند (طباطبایی، ۱۴۰۰، ۴۸۶/۱۹).

این تحلیل نشان می‌دهد که نفاق ریشه‌ای فراتر از انگیزه‌های فردی داشت و به‌مثابه جریانی سازمان‌یافته باید مورد توجه قرار گیرد. در چنین بستری، هشدارهای پیامبر (ص) صرفاً اقدامی سیاسی نبود، بلکه نقش مستقیمی در صیانت از سنت ایفا کرد. از منظر روش‌شناسی حدیث، این راهبرد چند پیامد اساسی داشت:

۱. با هشدار عمومی، فضای اجتماعی برای گسترش آزادانه جریان نفاق و جعل حدیث محدود شد و این امر کارکردی بازدارنده داشت.

۲. این تجربه الگویی تحلیلی برای فهم آسیب‌های حدیثی ارائه می‌دهد؛ به این معنا که جعل و نقل حدیث باید در چارچوب جریان‌های سازمان‌یافته و نه صرفاً خطاهای فردی بررسی شود.

۳. افشاگری پیامبر (ص) درباره منافقان، نشان داد که پیشگیری از تحریف سنت بیش از هر چیز به آگاهی‌بخشی عمومی و روش‌های نرم‌افزاری وابسته است، نه صرفاً برخوردهای قهری.

بنابراین، هشدارهای پیامبر (ص) افزون بر انزوای سیاسی منافقان، در سطح معرفتی نیز الگویی تازه برای پیوند میان سیاست و نقد حدیث ارائه کرد؛ الگویی که آشکار می‌سازد صیانت از سنت نبوی بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی جعل، به‌طور کامل تحقق نخواهد یافت.

ب. نهادینه‌سازی حرمت جعل حدیث و بازدارندگی اخلاقی، سیاسی و معرفتی

به گزارش ابو ریه، احادیث پیامبر (ص) برخلاف قرآن در معرض تحریف و جعل قرار داشت و آن حضرت با هشدارهای صریح و تعیین مجازات سخت، صیانت از سنت را به اصلی غیرقابل اغماض تبدیل کردند (ابو ریه، ۱۹۹۴، ۳۲). حساسیت پیامبر نسبت به تلاش جریان‌های قدرت‌طلب برای بهره‌گیری از روایات ساختگی نشان می‌دهد که جعل تنها یک لغزش اخلاقی نبود، بلکه تهدیدی جدی برای سلامت دینی و سیاسی جامعه محسوب می‌شد. این راهبرد پیامبر پیامدهای چندلایه‌ای به همراه داشت:

۱. اخلاقی: جعل حدیث به‌عنوان گناهی نابخشودنی در ذهن مسلمانان تثبیت شد و فرهنگ امانت‌داری در نقل روایت گسترش یافت؛ بدین ترتیب، وجدان اخلاقی جامعه برانگیخته شد.

۲. سیاسی: حساسیت عمومی در برابر جعل، راه را بر مشروعیت‌بخشی آسان جریان‌های قدرت‌طلب با روایت‌های ساختگی بست.

۳. معرفتی: ضرورت اطمینان از اصالت نقل، محدثان را به تدوین روش‌های دقیق نقد حدیث سوق داد؛ چنان‌که بخاری بابتی مستقل با عنوان «باب إثم من کذب علی النبی» گشود (بخاری، ۲۰۰۱، ۳۳/۱) و زمینه‌پیدایش علمی چون رجال فراهم شد. این علم، به تعبیر آیت‌الله سبحانی، هدف اصلی‌شان شناسایی روایانی است که آگاهانه به خدا و

پیامبر (ص) دروغ می‌بندند (سبحانی، ۱۳۶۹، ۲۵-۲۶). همچنین، همین رویکرد سبب شد عالمانی چون شیخ طوسی در قرن پنجم اصول دقیقی برای بررسی اسناد و متون روایی سامان دهند (طوسی، ۱۴۱۷، ۱/۱۴۳-۱۴۴). به این ترتیب، هشدارهای پیامبر نه تنها وجدان اخلاقی و حساسیت سیاسی جامعه را برانگیختند، بلکه بنیان نهادهای معرفتی و روش‌شناختی آینده را نیز پی‌ریزی کردند. از این رو، می‌توان این اقدامات را فرایندی چندلایه برای نهادینه‌سازی حرمت جعل و صیانت از سنت دانست؛ فرایندی که نهایتاً مرجعیت اهل بیت (ع) و پایداری میراث نبوی را تحکیم نمود.

۸. مرحله نهادینه‌سازی جعل روایت و دومین راهبرد پیشگیرانه معصومان (ع)

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، جعل حدیث تحت تأثیر مداخلات قدرت‌های سیاسی برای مشروعیت‌یابی، از شکل غیررسمی فراتر رفت و در ماجرای فدک به صورت نهادینه و سازمان‌یافته ظاهر شد.

۸.۱. تحلیل تاریخی - سیاسی

حوادث پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، به‌ویژه واقعه سقیفه، نقطه عطفی در تاریخ جعل حدیث به شمار می‌رود؛ زیرا برای نخستین بار، روایت‌سازی به صورت رسمی و سازمان‌یافته در خدمت مشروعیت‌بخشی سیاسی قرار گرفت. نمونه شاخص این روند، روایت منسوب به پیامبر با مضمون «نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ، مَا تَرَكَنا صَدَقَةٌ» است که برای سلب حق ارث حضرت فاطمه (س) به کار رفت (نجمی، ۱۴۱۹ ق، ص ۳۸۱). بررسی منابع نشان می‌دهد این روایت تنها از زبان ابوبکر نقل شده و در میان دیگر صحابه پشتوانه‌ای نداشته است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳ ق، ۱۶/۲۳۹)، امری که کارکرد سیاسی آن را آشکار ساخته و این ماجرا را به نخستین تجربه نهادینه‌سازی جعل روایت در ساخت قدرت تبدیل می‌کند. با توجه به مخاطرات جعل حدیث و کارکرد ابزاری آن، معصومان (ع) راهکارهایی پیشگیرانه و روش‌شناختی اندیشیدند تا اعتبار روایت و میراث نبوی حفظ شود؛ از مهم‌ترین این راهکارها، سنجش روایت با قرآن و سنت است که در ادامه به تحلیل آن پرداخته خواهد شد.

۸.۲. دومین راهبرد پیشگیرانه معصومان (ع): سنجش روایت با قرآن و سنت

یکی از مهم‌ترین راهبردهای معصومان (ع) برای مقابله با جعل حدیث، به‌ویژه جعل هدفمند از سوی قدرت‌های سیاسی، سنجش روایت با قرآن و سنت قطعی بود. این معیار هم برای تشخیص روایت صحیح از جعلی کاربرد داشت و هم به عنوان ابزاری عملی در نقد و پالایش میراث حدیثی، به‌ویژه در موارد جعل هدفمند با اهداف سیاسی، اهمیت حیاتی داشت.

نمونه بارز این راهبرد در ماجرای خطبه فدک مشاهده شد؛ هنگامی که حدیث منسوب به پیامبر با مضمون «إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ، مَا تَرَكَناهُ صَدَقَةٌ» برای سلب حق ارث حضرت فاطمه (س) به کار رفت (نجمی، ۱۴۱۹ ق، ص ۳۸۱)، حضرت فاطمه (س) با استناد به آیات قرآن - از جمله «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ» (نمل: ۱۶) و «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (مریم: ۵-۶) - نادرستی روایت را آشکار ساخت. این اقدام نشان می‌دهد که سنجش روایت با قرآن و سنت، نه تنها یک اصل نظری، بلکه ابزاری عملی و پیشگیرانه برای مقابله با جعل و تحریف حدیث بوده است.

حضرت فاطمه (س) از پیش‌گامان به‌کارگیری این روش بودند و نمونه‌ای عملی و تاریخی از آن ارائه کردند. گرچه ایشان این شیوه را برای مقابله با جعل حدیث از سوی قدرت‌های سیاسی به کار گرفتند، اما این معیار قابلیت تعمیم به هر نوع جعل حدیث - چه سیاسی، چه ناشی از تعصبات شخصی یا ناآگاهی راوی - را دارد و می‌تواند به‌عنوان معیاری روشمند برای نقد و پالایش میراث روایی مورد استفاده قرار گیرد.

این راهبرد، هم ابزاری عملی و تاریخی است که در خطبه فدک جلوه یافته و هم قاعده‌ای کلی و قابل تعمیم، مبتنی بر سفارش پیامبر اکرم به تمسک هم‌زمان به قرآن و عترت (مسلم، ۱۴۱۲، ق، ۱۸۷۳/۴؛ صدوق، ۱۳۹۵، ق، ۲۳۵/۱) و تأکید امام رضا (ع) بر هماهنگی کتاب و سنت (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۱۰۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۱/۴) که می‌تواند به‌عنوان معیار علمی و روش‌شناختی در نقد و بررسی روایات مورد استناد قرار گیرد.

۸.۲.۱. آثار و نقش راهبرد سنجش روایت با قرآن و سنت

راهبرد سنجش روایت با قرآن و سنت نبوی که از سوی معصومان (ع) به‌عنوان یک راهبرد پیشگیرانه برای مقابله با جعل حدیث معرفی شد، افزون بر پالایش میراث حدیثی و حفظ معارف اصیل، آثار گسترده‌ای در عرصه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی بر جای گذاشت. مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

الف. تضعیف نقش احادیث جعلی در مشروعیت‌بخشی به حکومت‌ها

تاریخ نشان می‌دهد برخی حاکمان با ترویج احادیث جعلی تلاش می‌کردند مخالفت با خود را معادل نافرمانی از خدا و پیامبر جلوه دهند. در چنین فضایی، برخی عالمان تحت تأثیر شرایط سیاسی، مفاهیمی چون «تسلط از طریق غلبه» را مطرح کرده و بر اساس برخی روایات، اطاعت از خلفا را الزامی می‌دانستند (طبرانی، ۱۴۰۵، ق، ۳۷۳/۲۲). برای نمونه، روایتی در صحیح مسلم نقل شده که پیامبر (ص) به حذیفه می‌فرماید: «فرمان امیر را بشنو و اطاعت کن، حتی اگر پشتت را (با تازیانه) بزنند و مالت را بگیرند» (مسلم، ۱۴۱۲، ق، ۱۴۷۶/۳). این روایت محل اختلاف علماست؛ برخی آن را صحیح دانسته‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ق، ۵۴۷/۴؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ۲۷۱/۸؛ طبرانی، ۱۴۰۵، ق، ۴۲۳/۳)، برخی مرسل شمرده‌اند (دارقطنی، ۱۴۰۵، ق، ۱۸۲/۱) و گروهی مانند آیت‌الله مجتبی تهرانی آن را جعلی ارزیابی کرده‌اند (تهرانی، ۱۳۹۱، ش).

این شواهد نشان می‌دهد جعل حدیث گاه ابزاری برای تثبیت اقتدار سیاسی و مشروعیت‌بخشی به حکومت‌ها بوده است. با این حال، معصومان (ع)، همان‌گونه که حضرت فاطمه (س) در خطبه فدک با استناد به آیات قرآن نادرستی حدیث جعلی منتسب به پیامبر را آشکار ساخت، احادیث جعلی مورد استفاده برای مشروعیت‌بخشی سیاسی را ناکارآمد ساخته و مانع نفوذ آن‌ها در محافل علمی و دینی شدند. بدین ترتیب، راهبرد سنجش روایت با قرآن و سنت نقش مؤثر و تحلیلی در تضعیف نقش احادیث جعلی در مشروعیت‌بخشی به حکومت‌ها ایفا می‌کند و نشان می‌دهد مقابله با جعل حدیث نه تنها ضرورتی اخلاقی و تاریخی، بلکه ضرورتی علمی و روش‌شناختی برای فهم و نقد میراث حدیثی است.

ب. تقویت بنیان‌های علمی و روش‌شناختی نقد حدیث

قرآن به‌عنوان نخستین منبع معرفت دینی، مصون از تحریف و معیار سنجش دیگر منابع است؛ در حالی که

احادیث،

به‌ویژه در صدر اسلام، در معرض جعل و دست‌کاری‌های گسترده قرار داشتند. از این‌رو، شناسایی و ارزیابی روایت تنها در پرتو عرضه آن بر قرآن و سنت معتبر امکان‌پذیر است (دلبری، ۱۳۹۱: ۶۹۲-۶۹۳).

این اصل ریشه در سخنان پیامبر اکرم (ص) دارد که فرمود: «به‌زودی دروغ‌گویان بر من دروغ خواهند بست، همان‌گونه که بر پیامبران پیش از من بستند. پس آنچه از من به شما رسید و با کتاب خدا موافق بود، از من است و آنچه مخالف کتاب خدا بود، از من نیست» (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۳۶۸/۵). بر اساس این معیار، مطابقت مضمون روایت با قرآن، شاخص بنیادینی در پذیرش یا رد آن به شمار می‌آید و همین قاعده، رابطه‌ای روشن‌مند میان قرآن و حدیث ایجاد کرد.

راهبرد سنجش روایت با قرآن و سنت، افزون بر پالایش احادیث از جعلیات، به‌تدریج به‌صورت یک قاعده روش‌شناختی پایدار در دانش حدیث درآمد؛ قاعده‌ای که بر اساس آن، هیچ روایتی بدون سازگاری محتوایی با قرآن و سنت معتبر پذیرفته نمی‌شود. اهمیت این قاعده زمانی روشن‌تر می‌شود که توجه کنیم بخش مهمی از جعل‌های حدیثی در صدر اسلام با انگیزه‌های سیاسی و برای مشروعیت‌بخشی به حکومت‌ها شکل گرفت. بدین ترتیب، این راهبرد نه تنها ابزاری علمی برای صیانت از میراث نبوی بود، بلکه به‌عنوان سپری معرفتی در برابر تحریف‌های سیاسی عمل کرده و مانع بهره‌برداری ابزاری از حدیث شد.

۹. مرحله گسترش جعل روایت و سومین راهبرد پیشگیرانه معصومان (ع)

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که در این مرحله - که هم‌زمان با دوران خلافت معاویه بود - جریان جعل حدیث به‌صورت گسترده، سازمان‌یافته و هدفمند گسترش یافت و با حمایت مستقیم دستگاه حاکمیت به اوج خود رسید.

۹.۱. تحلیل تاریخی - سیاسی

علامه عسکری در تحلیل این دوران بر این باور است که بخشی از احادیث ساختگی در این دوره باهدف تقرب به دستگاه اموی جعل‌شده است (عسکری، ۱۳۵۷، ش، ۱/۴۲۰). ابن ابی‌الحدید نیز گزارش می‌کند که معاویه راویانی را تشویق می‌کرد تا فضائل خلفا را برجسته و هم‌زمان از امام علی (ع) بدگویی کنند؛ حتی دستور داد ذکر فضائل آن حضرت ممنوع و نشر اکاذیب علیه او آزاد باشد. به گفته او، جریان جعل حدیث در این دوران با پشتوانه مستقیم سیاسی به اوج خود رسید (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ق، ۱۱/۴۴-۴۵). این تحلیل تاریخی با روایت امام محمدباقر (ع) نیز تأیید می‌شود؛ آن حضرت پس از اشاره به پیمان‌شکنی مردم کوفه در ماجرای کربلا می‌فرمایند:

«از آن پس ما اهل بیت پیوسته در خواری، ستم، قتل و هراس به سر بردیم... و در همان حال، دروغ‌گویان و منکران حق راهی برای تقرب به فرمانروایان، قاضیان فاسد و کارگزاران ستمگر یافتند. آنان با جعل و نقل احادیث دروغ، سخنانی به ما نسبت دادند که نه گفته بودیم و نه انجام داده بودیم تا ما را در نگاه مردم منفور سازند. اوج این فتنه در روزگار معاویه بود؛ هنگامی که شیعیان ما در شهرها کشته می‌شدند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ق، ۱۱/۴۳).

۹.۲. راهبرد سوم: افشای پیوند جعل حدیث با قدرت سیاسی

از این روایت، راهبرد سوم اهل بیت (ع) در مواجهه با آسیب‌های حدیثی قابل‌استنباط است. امام محمدباقر (ع) با

تصریح بر این که دروغ‌گویان برای تقریب به قدرت‌های سیاسی دست به جعل حدیث می‌زدند، یکی از بنیادی‌ترین کانون‌های آسیب در سنت حدیثی را آشکار ساخت. این بیان نشان می‌دهد جعل حدیث نه صرفاً نتیجه انگیزه‌های فردی یا ضعف علمی راویان، بلکه پدیده‌ای سازمان‌یافته در مناسبات قدرت سیاسی بوده است. هنگامی که مشروعیت حاکمان با تخریب جایگاه اهل بیت (ع) و برجسته‌سازی فضائل ساختگی برای رقبای آنان گره خورده باشد، بستر اجتماعی و روانی لازم برای جعل روایت فراهم می‌شود.

این راهبرد به پژوهشگران امکان می‌دهد با شناسایی انگیزه‌ها و زمینه‌های سیاسی تولید روایت، اعتبار روایات را به صورت علمی و انتقادی ارزیابی کرده، زمینه‌های سوءاستفاده و تحریف را شناسایی کنند و از انتشار یا مشروعیت‌بخشی به روایت‌های جعلی جلوگیری نمایند. به این ترتیب، تحلیل پیوند جعل حدیث با قدرت سیاسی هم یافته‌ای تاریخی و علمی است و هم یک راهبرد عملی و پیشگیرانه برای مقابله با تحریف‌های سیاسی روایت ارائه می‌دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که نقد متون حدیثی بدون درک زمینه‌های سیاسی و اجتماعی صدور یا نقل آن‌ها ناقص خواهد بود و احتمال جعل برای اهداف سیاسی همچنان وجود دارد.

۹.۲.۱. آثار و نقش راهبرد افشای پیوند جعل حدیث با قدرت سیاسی

راهبرد افشای پیوند جعل حدیث با قدرت سیاسی، با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت (ع) و تحلیل روایات تاریخی، آثار پیشگیرانه‌ای دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف- آشکارسازی سازمان‌یافتگی جعل حدیث

یکی از پیامدهای راهبرد «افشای پیوند جعل حدیث با قدرت سیاسی»، روشن شدن ماهیت سازمان‌یافته جعل روایت است. این سازمان‌یافتگی در بستر تاریخی خاصی شکل گرفت؛ به طوری که ممنوعیت کتابت حدیث پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) موجب شد شمار قابل توجهی از روایات، به ویژه احادیث مرتبط با فضائل اهل بیت (ع)، ثبت نشود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷، ۴۱۹/۱-۴۲۰). این محدودیت در دوره خلافت معاویه، زمینه را برای بهره‌برداری سیاسی از جعل فراهم ساخت؛ به گونه‌ای که برخی صحابه و تابعین، از جمله ابوهریره، عمرو بن عاص، مغیره بن شعبه و عروه بن زبیر، به طور سازمان‌یافته در مذمت امام علی (ع) اقدام به جعل حدیث کردند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ۶۳/۴؛ عسکری، ۱۳۵۷، ۴۲۷/۱).

برای نمونه، ابن ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه، دو روایت جعلی از عروه بن زبیر نقل می‌کند که در آن‌ها امام علی (ع) و ابن عباس به خروج از دین و اهل عذاب اخروی متهم شده‌اند. او با استناد به گزارش عبدالرزاق از معمر، به تردید زهری درباره صحت این احادیث اشاره کرده و عروه و عایشه را به بغض و دروغ‌گویی نسبت به بنی‌هاشم متهم می‌سازد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ۶۳/۴).

شواهد نشان می‌دهند که جعل حدیث، اقدامی سازمان‌یافته و هدفمند در خدمت اهداف سیاسی حاکمان بوده است. بررسی و تحلیل زمینه‌های اجتماعی و سیاسی این پدیده، پژوهشگران را قادر می‌سازد تا منشأ روایات مشکوک را دریابند، محتوا و سند آن‌ها را با نگاه علمی و انتقادی سنجش کنند و از تحریف یا مشروعیت‌بخشی به اخبار ساختگی جلوگیری نمایند. این رویکرد نه تنها درک عمیق‌تری از فرایند جعل روایت و ارتباط آن با مناسبات قدرت فراهم می‌آورد،

بلکه به عنوان یک ابزار عملی و پیشگیرانه، جامعه علمی و دینی را در مواجهه با جعل روایت آماده و هوشیار می‌سازد و امکان مقابله مؤثر با سوءاستفاده‌های سیاسی از حدیث را تقویت می‌کند.

ب- ایجاد فرهنگ پیشگیرانه و تحلیل انتقادی در نقل حدیث

امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۲۱۰ نهج البلاغه، جاعلان حدیث را چنین توصیف می‌کنند:

این عالمان با تزویر، دروغ و تهمت، خود را به حاکمان گمراه و دعوتگران دوزخ نزدیک کردند؛ آنان نیز ایشان را کارگزار خود ساختند و بر گردن مردم مسلط نمودند و به واسطه آنان دنیا را به کام خود خوردند (دستی، ۱۳۷۹ ش، ۴۳۲). بر اساس این بیانات و روایت امام باقر (ع)، می‌توان چنین تحلیل کرد که جعل حدیث صرفاً محصول انگیزه‌های فردی یا ضعف علمی راویان نبوده، بلکه ابزاری سازمان‌یافته و هدفمند در دست قدرت‌های سیاسی برای تثبیت حکومت و کنترل جامعه بوده است؛ لذا هنگامی که عالمان دینی به جای حمایت از محرومان از سرمایه دینی برای مشروعیت‌بخشی به ساختارهای سلطه بهره می‌برند، اعتبار روایات نسبت‌داده شده به آنان به شدت محل تردید است و چنین نقل‌هایی غالباً با شائبه جعل و تحریف همراه‌اند.

از منظر روش‌شناختی، این تحلیل معیار نقادانه و پیشگیرانه‌ای ارائه می‌دهد: هرگاه محتوای حدیثی در خدمت تثبیت جایگاه حاکمان جور باشد، پژوهشگر باید آن را در مظان جعل بداند و با دقت بیشتری سند و دلالت آن را بررسی کند. این رویکرد، هم راهی برای صیانت از سنت معصومان (ع) در برابر دست‌کاری‌های سیاسی است و هم معیار علمی برای تمایز روایات معتبر از اخبار ساختگی. از جمله این روایات، حدیثی منسوب به پیامبر (ص) است: «لَا يُبَغِي لِقَوْمٍ فِيهِمْ أَبُو بَكْرٍ أَنْ يُؤْمَهُمْ غَيْرَهُ» که ابن جوزی آن را مجعول و ألبانی بسیار ضعیف ارزیابی کرده‌اند (ابن عساکر، ۱۴۲۴ ق، ۹۶؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ ق، ۳۱۸/۱؛ ألبانی، ۱۴۱۱ ق، ۴۹۲). کاربرد عملی این یافته در پژوهش و آموزش دینی، تقویت رویکرد انتقادی و پیشگیرانه نسبت به نقل حدیث است.

تحلیل زمینه‌ها و انگیزه‌های سیاسی تولید روایت، پژوهشگران را قادر می‌سازد محتوای مشکوک را با دقت علمی ارزیابی کنند، از پذیرش روایت‌های تحریف‌شده یا جعلی جلوگیری نمایند و آگاهی جامعه علمی و دینی نسبت به سوءاستفاده‌های سیاسی از حدیث افزایش یابد. این رویکرد، علاوه بر ارزش پژوهشی، فرهنگ حساسیت و پرسشگری را در مواجهه با متون دینی تقویت کرده و امکان مقابله مؤثر با جعل روایت توسط قدرت‌های سیاسی را فراهم می‌آورد.

۱۰. مرحله سوم جریان جعل حدیث: تحلیل علل و زمینه‌های گسترش آن

مرحله سوم جریان جعل حدیث که هم‌زمان با استقرار حکومت بنی‌امیه آغاز شد، عصر گسترش و سازمان‌یافتگی این پدیده به شمار می‌آید. گسترش جعل حدیث در این دوره را باید در پیوند مستقیم با سیاست‌های منع کتابت و محدودسازی نقل حدیث در زمان خلفای نخستین تحلیل کرد؛ چراکه ممنوعیت تدوین حدیث در آن دوران، بخش مهمی از میراث روایی را از ثبت و انتقال بازداشت و خلأیی پدید آورد که در عصر اموی بستر مناسبی برای تحریف و جعل سازمان‌یافته فراهم ساخت. بدین ترتیب، رواج گسترده جعل حدیث در دوره بنی‌امیه را نمی‌توان جدای از زمینه تاریخی سیاست‌های جریان سقیفه تبیین کرد.

به قدرت رسیدن معاویه نقطه عطفی در این روند بود؛ او نه تنها نقل و نگارش فضایل اهل بیت (ع) به‌ویژه امیرالمؤمنین علی (ع) را ممنوع ساخت (عاشوری تلوکی، ۱۳۷۹، ۱۱۲)، بلکه با سامان‌دهی جریان جعل روایت،

دستگاهی تبلیغاتی بر پایه حدیث ساختگی بنا نهاد. محور اصلی این احادیث، کاستن از جایگاه امام علی (ع) و در مقابل، برجسته‌سازی رقبای سیاسی او بود؛ برای نمونه ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه به نقل از ابوجعفر اسکافی گزارش می‌کند که معاویه مبلغ هنگفتی به سمره‌بن جندب پرداخت تا آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره: ۲۰۷) - که در شأن امیرالمؤمنین (ع) دانسته شده است - به‌دروغ در شأن ابن ملجم روایت کند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ۷۳/۴). این نمونه، شاهدهی روشن بر سیاست هدفمند جعل سازمان‌یافته است. از این منظر، سیاست منع حدیث و جعل سازمان‌یافته در دوره اموی دو پدیده منفک نبودند، بلکه در پیوندی علی و تکمیلی، مسیر تحریف سنت نبوی را هموار کردند. در چنین بستری، رجوع به سیره راستین پیامبر (ص) که توسط اهل‌بیت (ع) تبیین می‌شد، یگانه معیار اطمینان‌بخش برای شناسایی روایت‌های معتبر بود. در برابر تلاش جعل‌گران برای تحریف سیره راستین پیامبر (ص)، این بازنمایی معتبر اهل‌بیت (ع) ضامن تمییز روایت‌های اصیل از روایات ساخته‌وپرداخته قدرت‌های سیاسی به شمار می‌رفت. بر همین اساس، می‌توان چهارمین راهبرد پیشگیرانه معصومان (ع) در مقابله با جعل حدیث توسط قدرت‌های سیاسی را «بازنمایی سیره اصیل نبوی» دانست.

۱.۱۰. چهارمین راهبرد: بازنمایی سیره اصیل نبوی

یکی از مهم‌ترین تدابیر اهل‌بیت (ع) در برابر احادیث جعلی - به‌ویژه آن دسته که با اهداف سیاسی برای تحریف چهره پیامبر اکرم (ص) جعل می‌شدند - بازسازی و تبیین نظام‌مند سیره اصیل و قرآنی پیامبر بود. در قرون نخستین اسلامی، برخی روایات ساختگی برای توجیه خشونت خلفا رواج یافت و تصویری نادرست و خشن از پیامبر (ص) در اذهان عمومی پدید آورد؛ تصویری که پذیرش سایر احادیث جعلی را نیز تسهیل می‌کرد. در برابر این جریان، امامان معصوم (ع) با تکیه بر قرآن، سنت قطعی و عقلانیت، چهره‌ای معتبر و واقعی از سیره نبوی ارائه کردند. این اقدام صرفاً اصلاح یک روایت خاص نبود، بلکه سازوکاری پیشگیرانه و روش‌شناختی برای سنجش صحت و بطلان روایات جعلی و جلوگیری از نفوذ احادیث ساختگی فراهم آورد. نمونه شاخص این راهبرد، نقد روایت «ماجرای غزینه» است؛ روایتی که پیامبر (ص) را عامل مثله‌کردن با میله‌داغ معرفی می‌کرد (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ۵۶/۱؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق، ۱۲۹۶/۳). امام سجاد (ع) با ردّ این روایت، آن را مخالف حکم قرآن دانست و تأکید کرد که پیامبر جز اجرای حد الهی اقدامی نکرد (شافعی، ۱۴۱۰ ق، ۲۵۹/۴). از نظر علامه طباطبایی، روایات معتبر واردشده از ائمه اهل‌بیت (ع) هیچ اشاره‌ای به چشم‌درآوردن نکرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۰۰ ش، ۵۴۱/۵).

از طرفی دیگر، امام باقر (ع) منشأ برخی روایات جعلی خشونت‌زا را اغراض سیاسی حاکمان بنی‌امیه دانسته و تأکید کردند: «نخستین چیزی که حاکمان بنی‌امیه آن را حلال شمردند، شکنجه بود؛ به سبب دروغی که انس بن مالک به پیامبر خدا بست. (و آن دروغ چنین بود که): پیامبر دست مردی را با میخ به دیوار کوبید؛ و از آن‌پس حاکمان، شکنجه را روا دانستند» (صدوق، ۱۳۸۵ ق، ۵۴۱/۲). براین اساس، بازنمایی سیره نبوی سه کارکرد کلیدی داشت:

۱. کارکرد معرفتی: ارائه معیاری مطمئن برای سنجش درستی یا بطلان روایات.
۲. کارکرد روشی: تثبیت «سیره نبوی» به‌عنوان معیار بالادستی در نقد حدیث.
۳. کارکرد پیشگیرانه: جلوگیری از نهادینه شدن احادیث ساختگی در فرهنگ اسلامی.

این راهبرد نه تنها واکنشی علمی و روش‌شناختی در برابر جعل‌های هدفمند قدرت‌های سیاسی بود، بلکه چارچوبی راهبردی برای اصلاح گفتمان دینی، بازتعریف تصویر جهانی اسلام و بازسازی اعتماد عمومی فراهم می‌کرد.

۱.۱.۱۰. آثار و نقش راهبرد بازنمایی سیره اصیل نبوی

تلاش اهل بیت (ع) در تبیین و بازسازی سیره اصیل نبوی، آثار گسترده‌ای در عرصه اندیشه دینی، جامعه اسلامی و گفتمان حدیث‌پژوهی بر جای گذاشت. مهم‌ترین پیامدهای این رویکرد عبارت‌اند از:

الف. مقابله با قرائت‌های سلطه‌محور از سنت نبوی و بازسازی اعتماد عمومی

بازسازی سیره اصیل نبوی، افزون بر پالایش میراث حدیثی، سازوکاری پیشگیرانه و روش‌شناختی برای صیانت از معرفت دینی بود. از یک سو با ایجاد معیارهایی روشن، مانع نفوذ و پذیرش احادیث سلطه‌محور شد و از سوی دیگر، «با وجود پدیده جعل و تحریف، جامعه را از بی‌اعتمادی مطلق و کنار نهادن گنجینه معنوی سنت نبوی بازداشت و اعتماد به احادیث معتبر را تقویت کرد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷، ۵۶/۲). به بیان دیگر، راهبرد اهل بیت (ع) نه صرفاً اقدامی واکنشی، بلکه سازوکاری فعال برای حفظ توازن میان نقد روایت و اعتماد به آن بود؛ توازنی که امکان استمرار سنت نبوی به‌عنوان مرجع معرفتی و هنجاری امت اسلامی را فراهم می‌کرد. نمونه‌ای روشن از این رویکرد، بازنمایی آموزه‌های پیامبر (ص) درباره حرمت قتل بی‌گناهان است. درحالی‌که جریان‌هایی چون خوارج و بعدها گروه‌های تکفیری، کشتار زنان، کودکان و سالمندان را با شعارهای ظاهراً دینی توجیه می‌کردند، سنت نبوی به‌صراحت چنین رفتارهایی را ممنوع دانسته است. چنان‌که امام صادق (ع) با استناد به همین سیره رحمانی، در پاسخ به پرسشی درباره سقوط جزیه از زنان فرمودند:

«چون پیامبر (ص) کشتن زنان را حتی در دارال‌حرب نهی کرده است، به‌طریق اولی در دارالاسلام جایز نیست؛ بنابراین جزیه نیز از آنان برداشته می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ق، ۴۷/۱۱). بدین ترتیب، اهل بیت (ع) با ارائه تصویری عقلانی، اخلاقی و واقع‌گرایانه از سیره پیامبر (ص)، هم به اصلاح روایت‌های منحرف پرداختند و هم سازوکاری پیشگیرانه برای جلوگیری از نفوذ احادیث جعلی سلطه‌محور فراهم کردند. بازنمایی سیره اصیل نبوی، نه تنها بازگشتی اخلاقی به سنت، بلکه سازوکاری فعال برای مصون‌سازی گفتمان دینی در برابر تحریف‌های سیاسی و بهره‌برداری ابزاری از حدیث بود و معیار روش‌شناختی و اخلاقی روشنی برای تحلیل و پذیرش احادیث فراهم آورد.

ب. اصلاح گفتمان دینی و بازتعریف تصویر جهانی اسلام

اهل بیت (ع) با تأکید بر سیره عقلانی، رحمانی و کرامت پیامبر اکرم (ص)، نقش کلیدی در اصلاح گفتمان دینی و بازتعریف تصویر جهانی اسلام ایفا کردند. این بازنمایی، قرائت‌های خشونت‌محور و وابسته به قدرت سیاسی را طرد کرده و تصویری واقع‌گرایانه، اخلاق‌مدار و انسان‌محور از اسلام ارائه داد.

جریان‌های افراطی، از خوارج تا گروه‌های تکفیری معاصر، با اعمال خشونت و سوءاستفاده از مفاهیم دینی، سیره پیامبر را مخدوش و چهره اسلام را در عرصه جهانی تحریف کردند؛ اما اهل بیت (ع) با بازنمایی سیره رحمانی، معیار روش‌شناختی و اخلاقی برای تحلیل و پذیرش احادیث فراهم آوردند. این بازنمایی، با الهام از آموزه‌های اهل بیت (ع) و رویکرد حضرت علی (ع) به یاران پیامبر که فرموده‌اند: «ایشان بصیرت‌هایشان را بر شمشیرهایشان حمل کردند و به

فرمان اندرز دهنده خود، به پروردگارشان تقرب جستند» (دشتی، ۱۳۷۹ ش، ۲۷۶)، نشان می‌دهد که در سیره اصیل نبوی، عقلانیت، بصیرت و اخلاق بر زور و خشونت اولویت دارند و پیروان پیامبر باید راهنمایی‌های عقلانی و اخلاقی را بر قدرت نظامی مقدم بدانند. براین اساس، راهبرد بازنمایی سیره نبوی نه تنها اقدامی اخلاقی و معرفتی بود، بلکه سازوکار پیشگیرانه‌ای در برابر جعل سازمان‌یافته روایت توسط قدرت‌های سیاسی فراهم کرد و امکان بازسازی اعتماد عمومی و ارائه چهره واقعی اسلام در سطح داخلی و بین‌المللی را هم‌زمان تضمین نمود.

۱۱. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که جعل حدیث اقدامی پراکنده و فردی نبود، بلکه به‌عنوان یک جریان سازمان‌یافته و سیاسی در سه مرحله تاریخی - شکل‌گیری اولیه، نهادینه‌سازی و گسترش - بر میراث حدیثی اسلام تأثیر گذاشت. اعتبارسنجی یافته‌ها با تحلیل منابع تاریخی و حدیثی معتبر نشان داد که مدل پژوهش با داده‌های اصلی تطابق دارد و مراحل رواج جعل روایت در دوره‌های مختلف تاریخی تأیید می‌شود. نتایج پژوهش چهار راهبرد پیشگیرانه اهل بیت (ع) را برجسته کرد: هشدارهای پیامبر (ص) برای بازدارندگی از جعل، سنجش روایت با قرآن و سنت برای اعتبارسنجی، افشای پیوند جعل با قدرت سیاسی برای شناسایی منابع خطر و بازنمایی سیره اصیل نبوی برای اصلاح گفتمان و ارائه معیار روش‌شناختی. این راهبردها نشان دادند که اهل بیت (ع) نه تنها در زمان خود از جعل روایت جلوگیری کردند، بلکه الگویی پایدار برای تحلیل انتقادی متون دینی و پیشگیری از سوءاستفاده‌های سیاسی فراهم ساختند. یافته‌ها می‌تواند پژوهشگران معاصر را در ارزیابی و تحلیل انتقادی روایات در مطالعات حدیث‌پژوهی مدرن یاری دهد و گفتمان دینی را از تحریف و بهره‌برداری سیاسی مصون سازد.

۱۲. منابع

۰. قرآن

۰. نهج البلاغه

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت‌الله‌العظمی المرعشی النجفی، ۱۳۶۳ ش/۱۴۰۴ م.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، ترجمه: یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۹ ش.

۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدینه منوره: المکتبه السلفیه، ۱۳۸۶ ق/۱۹۶۶ م.

۴. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، مقدمة ابن‌الصلاح في علوم الحديث، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۰۶ ق.

۵. ابن عبد‌الهادی مقدسی، محمد بن احمد، فضائل الشام، تحقیق: عادل بن سعد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق/۲۰۰۱ م.

۶. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق/۱۹۹۹ م.

ابن فارس، احمد، معجم مقاییس‌اللغة، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ ق.

۷. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق: شعیب الأرنؤوط و دیگران، بیروت: دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۰ ق/ ۲۰۰۹ م.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابو زهو، محمد، الحدیث والمحدثون، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۳۷۸ ق.
۱۰. ابوریه، محمود، أضواء علی السنة المحمدیة، قاهره: دار المعارف، ۱۹۹۴ م.
۱۱. احمد بن حنبل، ابو عبدالله، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۵ م.
۱۲. الألبانی، محمد ناصرالدین، ضعیف سنن الترمذی، اشراف و تعلیق: زهیر الشاویش، بیروت: المكتب الإسلامی، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق/ ۲۰۰۳ م.
۱۵. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق و تعلیق: احمد محمد شاکر و دیگران، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۹۷۵ م.
۱۷. تهرانی، مجتبی، «تازیانه‌های بیدارگری؛ شرح خطبه منای امام حسین (ع) - بخش دوم» (پایگاه مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱)، بازیابی شده از: https://journals.dte.ir/article_60414.html
۱۸. حاتم، محمدرضا، «نقد و بررسی مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت»، دانش سیاسی، ۱۳۸۴، شماره ۱، صص ۶۷-۱۰۱
۱۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۰ م.
۲۰. حسنی، هاشم معروف، الموضوعات فی الآثار والأخبار، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ۱۹۷۳ م.
۲۱. خطیب، محمد عجاج، أصول الحدیث علومه و مصطلحه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۹ م.
۲۲. دارقطنی، علی بن عمر، الإلزامات والتتبع، تحقیق: مقبل بن هادی الوداعی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.
۲۳. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش.
۲۴. دلبری، سید علی، آسیب‌شناسی فهم حدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ ش.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. رفیعی، ناصر، «عوامل و انگیزه‌های دروغ‌پردازی حدیث»، علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۸۱، شماره ۴۱، صص ۱۶۹-۲۰۲.
۲۷. سبحانی تبریزی، جعفر، کلیات علم الرجال، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹ ش/ ۱۴۱۰ ق.
۲۸. شافعی، محمد بن ادريس، الأم، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م.

۲۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، شرح البدایة فی علم الدرایة، تهران: مکتبه چهل‌ستون، ۱۴۰۲ ق.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، نجف: منشورات المکتبه الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۳۱. ———، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۳۲. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۴۲، ۱۴۰۰ ش
۳۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، تحقیق: محمود طحان، ریاض: مکتبه المعارف، ۱۴۰۵ ق.
۳۴. طبرسی، أحمد بن علی، الاحتجاج، مصحح: محمد باقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق
۳۵. طبری صغیر، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ ق.
۳۶. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. ———، العدة فی أصول الفقه، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، قم: [بی‌نا]، ۱۴۱۷ ق.
۳۸. عاشوری تلوکی، نادعلی، «سرگذشت حدیث در دوره معاویه»، علوم حدیث، ۱۳۷۹، شماره ۱۶، صص ۱۰۸-۱۲۸.
۳۹. عسکری، سید مرتضی، نقش‌نامه در احیای دین، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۵۷ ش.
۴۰. فضلی، عبد‌الهادی، أصول الحدیث، بیروت: مؤسسه ام‌القری للتحقیق و النشر، ۱۴۲۰ ق.
۴۱. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق: احمد البردونی و ابراهیم أطفیش، قاهره: دارالکتب المصریة، چاپ دوم، ۱۹۶۴ م.
۴۲. قزوینی، عمر بن علی، مشیخة القزوینی، تحقیق: عامر حسن صبری، بیروت: دار البشائر الإسلامیة، ۱۴۲۶ ق/ ۲۰۰۵ م.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۴۴. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدرایة، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع)، ۱۴۱۱ ق.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح: هدایت‌الله مسترحمی، علی‌اکبر غفاری، محمدباقر بهبودی، محمد مصباح یزدی و دیگران، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۶. محمدی‌ری‌شهری، محمد و دیگران، شناخت‌نامه حدیث، قم: مؤسسه دارالحدیث، ۱۳۹۷ ش.
۴۷. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ ق، ۵ جلدی.
۴۸. معارف، مجید، «بررسی سیر تاریخی کتابت حدیث در شیعه»، علوم حدیث، ۱۳۸۴، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۷۴-۸۶.
۴۹. ———، تاریخ عمومی حدیث، تهران: انتشارات کویر، چاپ ۱۳، ۱۳۹۲ ش.